روزنامه شرق

سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱ • ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۳۳ • ۸ می ۲۰۱۲ • سال نهم

شماره پیاپی ۱۵۲۳ • شماره ۵۹۹ دوره جدید • ۲۰صفحه • ۱۰۰۰ تومان

با حضور ۱۷۳ نماینده صورت گرفت

توافق فراکسیونی برای ریاست «لاریجانی» بر مجلس نهم

گروه سیاسی: «علی لاریجانی»، «محمدرضا باهنر»، «محمدحسن ابوترابی». رییس، نایب‌رییس اول و نایب‌رییس دوم مجلس نهم. بله! «مجلس نهم». این را می‌شد از نتیجه نشست دیروز ۱۷۳نفر از منتخبان مجلس جدید فهمید؛ نشست در مجلس قدیم و زیر گوش بهارستان...

همین صفحه

هاشمی‌رفسنجانی:

توجه به معیشت مردم لازم و ضروری است

روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام: «آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی» در دیدار اعضای مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم دغدغه و حساسیت‌های علما، مراجع و روحانیون عالی‌قدر نسبت به سرنوشت کشور را مهم و از سرمایه‌های نظام و انقلاب خواند و با اشاره ...

صفحه ۲

نامه احمدی‌نژاد به آیت‌الله شاهرودی

■ مصوبه نظارت بر عملکرد نمایندگان مغایر قانون اساسی است

صفحه ۲

نامه «مریل استریپ» به «اصغر فرهادی»:

کاری که هیات‌های دیپلماتیک از آن عاجزند!

گروه هنر، گیسو فغفوری: «جدایی نادر از سیمین» تنها یک فیلم در سینمای ایران نیست، بلکه فرصتی است برای تکرار نام کشوری که دوستش داریم در گوشه و کنار جهان، نه چون همیشه و از منظر متداول و مرسوم سیاست‌های بین کشورها و حکومت‌ها، بلکه به عنوان نگاه مردمی که می‌شود دوستشان داشت و با آنها همدل بود. فیلم «جدایی...» با یا بی‌کارگردانش به این سو و آن سوی جهان سفر کرد و از آن استقبال شد. سفرهای جهانی این فیلم از ایران آغاز شد و از جشنواره فیلم فجر، کمی بعدتر در سینماهای ایران نشان داده شد و مردم از آن استقبال کردند و بعد این حس مشترک به سراسر جهان منتقل شد تا مردم به تماشایش بنشینند و همچون ما بغض کنند، قاضی و راوی شوند و درگیر شخصیت‌ها. به هر کشوری رفت، تحسین منتقدان و مردم را برانگیخت و برخی از هنرمندان به تحسین در گفت‌وگوها و محافل سینمایی اکتفا نکردند و به فرهادی نامه نوشتند. در روزهایی که بحث جنگ با ایران پررنگ بود و هر روز خبری در این‌باره منتشر می‌شد و جنگ‌طلبان در رسانه‌های جهانی بر طبل جنگ علیه ایران می‌کوبیدند، سخنان «اصغر فرهادی» به عنوان سازنده فیلم «جدایی» در اسکار و پیش از آن در گلدن‌گلوب، سخن از صلح بود، به نمایندگی از مردمی که رسانه‌ها تصویری دیگر از آنان ارایه می‌کردند. یکی از آنان که به اصغر فرهادی نامه نوشت، «مریل استریپ» بود؛ بانویی که ۱۷ بار نامزد اسکار شده بود و سه بار برنده آن، بانویی که لوح تقدیر نامزدشدن فیلم «جدایی» در اسکار ۸۴ را به «اصغر فرهادی» داده است. او در نامه‌ای نکته‌هایی را درباره این فیلم بیان کرد که زاویه دیدی دیگر را رو به این فیلم می‌گشاید و آن را نه به عنوان فیلم و اثر هنری، که به عنوان تجلی یک اتفاق انسانی در قالبی هنری می‌ستاید. او چنین می‌نویسد: «نمی‌دانم آیا اصغر فرهادی زمانی که فیلمش را می‌ساخته آگاه بوده که بر خلاف نام فیلم، تاثیر جهانی «یک جدایی» مردم را به هم نزدیک خواهد کرد؟! نزدیک کردن ما و مردم ایران، تا از طریق داستان خانواده‌ای در حال گسست و پیچیدگی‌های اخلاقی و عاطفی‌شان، خانواده‌های ما و ایرانیان را به هم نزدیک کند.» مریل استریپ در توصیف جزییات مطرح شده در کارگردانی این فیلم می‌نویسد: «او این کار را با ظرافت انجام می‌دهد، با ارایه تصویری صمیمی از پیشخوان آشپزخانه‌ای در تهران یا با نشان دادن پرتره کوچکی از انیشتین یا نقاشی دیگری از ویلت به نام دنیای کریستینا. او به ما اجازه همدردی با مردی را می‌دهد که به تازگی ترکش کرده‌اند، جایی که برای یافتن تنظیم درست ماشین لباسشویی در تکاپوست. او می‌گذارد تا ما عمل دردناک و سرشار از عشق شست‌وشوی پدری پیر را بازشناسیم و می‌گذارد شوک حاصل از بازی کودکی که پیچ دستگاه اکسیژن را باز و بسته می‌کند و باز می‌بندد و باز می‌کند را حس کنیم. همچنان که سرنوشت با زندگی ما در حال بازی است.» بانویی که او را در اخلاق و ماندگاری در سینما تحسین می‌کنند، چنین به رمزگشایی از فیلم «جدایی» می‌پردازد: «او می‌گذارد در خستگی مفرط قاضی‌ای سهیم شویم که می‌خواهد پنجره دفتر کم هوایی که در آن تصمیمات دشوار می‌گیرد، چارتاق باز باشد:

-چه چیز هل دادن است، چه چیز ضربه زدن؟
-چه کسی پرت شد، چه کسی از حال رفت؟
-چه کسی دروغ گفته، چه کسی غیرقابل اطمینان است؟
-چه کسی خوب است، چه کسی بد؟

چگونه می‌توان همه اینها را در جای خود قرار داد؟ و ببینید چه میزان گذشت در دل مردمی است که تحت قواعدی بی‌گذشت زندگی می‌کنند.» استریپ فیلم «جدایی» را فراتر از تمام همه ابزاری دانست که می‌تواند کشورها را به هم نزدیک یا از هم دور کند. او نامه‌اش را با چنین عباراتی پایان می‌دهد: «با ساختن این فیلم دلپذیر، اصغر فرهادی کاری کرد که هیات‌های دیپلمات و اخبار روزنامه‌ها از آن عاجزند. او گذاشت تا ما خود را در آینه زندگی دیگران ببینیم و مخمصه‌های یکدیگر را درک کنیم. مخمصه انسانیت مشترک‌مان را. این کنش، کنشی سیاستمدارانه است. در دنیایی که مسیر تماشا در آن با بدبینی و تلخی مسدود است، نیاز داریم تا هنرمندان تصویر را وضوحی بهتر ببخشند. ما به «یک جدایی» محتاجیم تا به هم نزدیک‌مان کند.» اصغر فرهادی برای همان یک لحظه دلنشینی که مردم زیادی را در ایران خوشحال کرد به عنوان چهارمین چهره مجله تایم از سوی مردم برگزیده شد. این آغاز راهی است که او به عنوان یک هنرمند در آن قرار گرفته است و تا اکنون نشان داده است که این مسیر را با هوشیاری ادامه می‌دهد.

با حضور ۱۷۳ نماینده صورت گرفت

توافق فراکسیونی برای ریاست «لاریجانی» بر مجلس نهم

گروه سیاسی - سروش فرهادیان: «علی لاریجانی»، «محمدرضا باهنر»، «محمدحسن ابوترابی». رییس، نایب‌رییس اول و نایب‌رییس دوم مجلس نهم. بله! «مجلس نهم». این را می‌شد از نتیجه نشست دیروز ۱۷۳نفر از منتخبان مجلس جدید فهمید؛ نشست در مجلس قدیم و زیر گوش بهارستان. این سه نفر هم بودند و مگر می‌شود باشند و محور نباشند. میهمانان دیروز مجلس قدیم، خودشان هم پنهان نمی‌کردند برای چه اینجا جمع شده‌اند. تعدادشان هم به اندازه‌ای بود تا ژست آدم‌هایی را بگیرند که برای تعیین تکلیف دور هم جمع شده‌اند. تعیین تکلیف آرایش سیاسی مجلس نهم و تاثیر گذاشتن بر ترکیب هیات رییسه؛ وگرنه فلسفه تشکیل یک فراکسیون در فاصله ۲۰روز تا آغاز مجلس جدید چه می‌تواند باشد جز تقسیم قدرت در آینده؛ اقدام پیشگیرانه‌ای که حریف را غافلگیر کرد و بس. درست در روزی که اعضای «جبهه پایداری»، یعنی جناح دیگر اصولگرایان که نزدیک به دولت هستند و تعداد قابل توجهی از کرسی‌های مجلس در اختیارشان است، ترجیح دادند از فاز ابراز برادری به دیگر اصولگرایان راه یافته به مجلس بیرون بیایند و به صراحت «غلامعلی حداد عادل» را رییس مجلس بخواهند طرفداران «علی لاریجانی» از اصل غافلگیری استفاده کردند و یک خودنمایی تمام‌عیار تدارک دیدند؛ و چه جایی بهتر از مجلس قدیم. خوب اریکه‌ای است برای رساندن یک پیام مهم. اعلام ریاست و نشان‌دادن قدرت از جایگاه نوستالژیک قوه مقننه. دیروز مجلس قدیم دوباره مجلس شد؛ مجلس شورای اسلامی. منتخبان مجلس نهم ترجیح دادند از گذشته شروع کنند. آنقدر برگزاری این نشست غافلگیرکننده بود که حتی دستگاه «ایکس‌ری» نیروهای امنیتی مجلس قدیم هم آماده نبود. تا کار بازرسی را تسریع کند. سیستم به گذشته بازگشته بود و تفتیش دستی و جز به‌جز. این غافلگیری هم شاید از نشانه‌های نزدیک‌شدن به‌روز تشکیل مجلس نهم است. شاید برای نمایندگان حاضر در آنجا هم حضور در مجلس قدیم جالب بود؛ چرا که بیشتر آنان هیچ سابقه نمایندگی در کارنامه‌شان نیست. در مجلس نهم ۱۹۶ نماینده جدید وارد شده‌اند که تنها دست‌کم ۳۰نفرشان قبلا سابقه یک دوره نمایندگی را داشته‌اند. همه جوره دور، دور «نماینده اولی»هاست. مهم نیست کسی نامشان را شنیده یا نه، مهم این است که یکی از صندلی‌های مجلس نهم مال آنان است. اثر انگشت‌شان نیز هم‌ارزش بقیه؛ هر انگشت یک رای. دیروز روز «انشعاب» بود یا شاید هم «استقرار». انشعاب نمایندگان طرفدار ریاست «علی لاریجانی» بر مجلس نهم از دیگر نمایندگانی که به نام اصولگرا وارد مجلس شدند؛ از آنانی که نزدیک به دولت خوانده می‌شوند و البته استقرار جدید پشت نام علی لاریجانی. از اول هم معلوم بود که آب جبهه پایداری و جبهه علی لاریجانی توی یک جوی نمی‌رود. حالا نمایندگان نزدیک به رییس مجلس هشتم نمایندگان جدید را هم جذب کرده‌اند و فراکسیون تازه‌ای تشکیل داده‌اند به نام «رهروان ولایت». تعداد اعضایشان هم فعلا ۱۷۳ نفر است. ۴۰ نفری را هم گفتند که فرصت نشده بیایند وگرنه دلشان در مجلس قدیم بوده. همه هم خودشان را اصولگرا می‌دانستند. ۱۵ نفر در قامت هیات رییسه، تشکیل فراکسیون جدید را اعلام کردند. در دستور کار فراکسیون هم به جز تعارف‌های موجود از اعتدال و توجه به اقتصاد خبر دادند. جلسه‌ای که با حضور منتخبان مجلس نهم تشکیل شد تا نزدیک به ساعت هفت غروب ادامه یافت؛ اجازه ورود خبرنگاران هم داده نشد. «کاظم جلالی» و «جواد جهانگیرزاده» رییس و منشی جلسه بودند. دو نماینده‌ای که همه‌جوره به لاریجانی نزدیک هستند. بعد هم کاظم جلالی و «شجاعی کیاسری» از نمایندگان مجلس هشتم و سه نفر از نمایندگان جدید مجلس نهم برای کنفرانس مطبوعاتی به میان خبرنگاران آمدند. جلالی هم در نقش سخنگو ظاهر شد. خوب گزینه‌ای هم بود؛ سال‌ها سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی بودن او را برای حرف زدن در این روزهایی که هزینه کلمه‌ها بالا رفته باتجربه کرده. اینکه چگونه پیامش را برساند که نه سیخ بسوزد نه کباب. هم معلوم شود که بر سر ریاست لاریجانی توافق شده و هم رقیب او را عصبانی نکند. سه‌نفر همراه جلالی را کسی نمی‌شناخت. آنگونه که جلالی گفت نعمتی و حقیقت‌پور نام‌شان بود و البته نفر سومی هم بود.

عکس: امیر جدیدی، شرق

ادامه در صفحه ۲

تجسمی

ایران درودی در گفت‌وگو با «شرق»:

■ چشم ایرانیان برای نقاشی تربیت نشده است

صفحه ۹

تیترها

گزارش اختصاصی «شرق» از «کالیفرنیا»

شب پرخاطره شجریان در لس‌آنجلس

صفحه ۱۵

فرمانده سپاه تهران بزرگ:

چند عملیات ترور در ایام‌نوروز خنثی شد

صفحه ۳

در صفحات

تغییر ساختار بزهکاری اجتماعی
تقی آزاد ارمکی /صفحه ۱۹

۵ کتاب سیاسی و اجتماعی
عباس عبدی /صفحه ۱۵

دوباره از سر شروع می‌کنیم
گفت‌وگو با منیژه محامدی /صفحه ۱۱

قانون خوب برای لیگ یک
رسول کربکندی /صفحه ۱۶

حرف اول

چرا سارکوزی نه

مهران کرمی

پایان هر انتخابات، آغاز سخن‌سرایی درباره سیاستمدار یا حزب پیروز و ذکر ویژگی‌های شخصیتی و زمینه‌های پیروزی فرد انتخاب‌شده است.

در وصف فرانسوا اولاند رییس‌جمهوری منتخب فرانسه این نکته بس که سخنرانی‌اش را پس از اعلام نتایج اولیه انتخابات، با درود فرستادن به رقیب شکست‌خورده و تشکر از او آغاز کرد و سارکوزی هم رقیب پیروز را رییس‌جمهور فرانسویان و شایسته احترام دانست. هر دو سخنرانی نشان از عمق سنت دموکراتیک در کشوری دارد که مردمانش آنجا را مهد دموکراسی مدرن می‌دانند.

اما چرا در کشوری با چنین پیشینه و سنت دموکراتیک، نیکلا سارکوزی ناکام‌ترین سیاستمدار جمهوری پنجم می‌شود و نمی‌تواند برای بار دوم به کاخ الیزه پا گذارد؛ پاسخ را باید در همین ریشه‌دار بودن و سفت و سخت بودن چنین سنتی دید که ضربه‌های کاری سارکوزی هم نمی‌تواند دیوارهایش را جابه‌جا کند و خود در پایش خسته جان می‌سپارد تا آنجا که حتی ژاک شیراک رییس‌جمهوری سابق و هم‌حزبی‌اش هم او را شایسته تجدید انتخاب نمی‌داند.

سارکوزی در مقایسه با دیگر رییس‌جمهورهای فرانسه و به ویژه آقای شیراک، شخصیت ناتوانی نبود بلکه وجاهت عنوانش را نداشت. او توانایی ایجاد تغییر در سنت دموکراتیک کشورش را داشت ولی فاقد شخصیت کاریزماتیک بود که برای ایجاد تغییرات بزرگ ضروری است.

به زبان سیاست سنتی و نماینده برترش نیکلو ماکیاولی، نیکلا سارکوزی از دو شرط ضروری کامیابی یک سیاستمدار، شایستگی و بختیاری، همچون خود ماکیاولی یکی را داشت و دیگری را نه.

سارکوزی با یک‌دندگی و پیگیری، سیاست‌های راستگرایانه‌اش را پیش برد و به مخالفت‌های احزاب و سندیکاها و افکار عمومی قدرتمند در کشوری که حتی راستگرایان آن هم در زمینه چپگرایی بازی می‌کنند، توجهی نداشت.

انقلاب فرانسه سنتی را در این کشور به جا گذاشته که حتی راستگرایان فرانسوی را در میان همگنان اروپایی و غربی آنها، در میانه و مایل به چپگرایی می‌نشاند و سارکوزی می‌خواست یک‌تنه این سنت را بشکند.

ادامه در صفحه ۶

سرمقاله

ضرورت اقدام عاجل

حسین عبده‌تبریزی

از مجموع متغیرهای امروز اقتصاد ایران، هیچ موردی نگران‌کننده‌تر از وضعیت جاری نظام بانکی کشور نیست. در شرایطی که حجم پول طی هفت‌سال گذشته قریب به هفت برابر افزایش یافته است، کمتر بانکی را می‌توان یافت که طی این مدت، سپرده‌هایش تا این حد رشد کرده باشد. این بدان معناست که به استثنای یک یا دو بانک، دیگر بانک‌های دولتی یا خصوصی سهم خود را از بسط پولی دریافت نکرده‌اند؛ یعنی اگر معیار وسعت و قدرت بانک‌ها، حجم سپرده‌هایشان باشد، اکثریت قریب‌به‌اتفاق بانک‌های دولتی و خصوصی ایرانی طی این دوره تضعیف شده‌اند. انبوهی از بانک‌های جدید، موسسات مالی و اعتباری، تعاونی‌های اعتبار، صندوق‌های قرض‌الحسنه و نهادهای پولی رسمی و غیررسمی دیگر، بخشی از این نقدینگی را جذب کرده‌اند. انتشارهای متعدد اوراق مشارکت توسط بنگاه‌های اقتصادی دولتی و شبه‌دولتی، قدرت تخصیص بخش عمده‌ای از وجوه نزد بانک‌ها را از دست مدیران بانک‌ها خارج کرده است. در زمستان ۱۳۹۰، هجوم گسترده‌ای به بانک‌ها (bank run) اتفاق افتاد که ناشی از افزایش قیمت ارز و به‌تبع آن قیمت طلا بود.

ادامه در صفحه ۴

آموزه‌های انتخابات فرانسه

داوود محمدی

«دموکراسی حکومت اکثریت است بر اقلیت» این جمله تعریفی است درست اما ناکافی از دموکراسی زیرا رکن مهم اما اغلب مغفول دموکراسی، «احترام اکثریت است به حقوق اقلیت». آخرین نمود تعهد عملی به این دو اصل در انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه به مرحله بروز و ظهور رسید که طی آن حزب مستقر در قدرت که با حدود چهاردرصد اختلاف بازنده انتخابات بود، کرسی قدرت را به اکثریت سپرد و حزب تازه به قدرت رسیده؛ حداقل در کلام، حقوق اقلیت را به رسمیت شناخت. انتخابات یکشنبه گذشته فرانسه یکی از پرشورترین انتخابات تاریخ این کشور بود. هرچند در دور نخست این انتخابات اولاند ۲۸/۶۳درصد و سارکوزی ۲۷/۱۸درصد آرا را کسب کرده بودند و این ارقام، احتمال رقابت نزدیک دونامزد در دورنهایی را به ذهن متبادر می‌کرد؛ اما نظرسنجی‌ها و فضای سیاسی و رسانه‌ای فرانسویان، از شکست سنگین سارکوزی حکایت داشت. شاید به همین علت بود که سارکوزی در روز رای‌گیری ترجیح داد رای توام با سکوت خود را به صندوق انداخته و نظاره‌گر خاموش مانور تبلیغی همسرش کارلا باشد که تحت پوشش تبلیغی مناسبی هم قرار گرفت. دراین میان؛ آمارهای غیررسمی از پیشتازی اولاند خبر می‌داد اما در ساعات واپسین رای‌گیری، از شکاف عددی دو نامزد کاسته شد و تفاوت به حدود چهاردرصد رسید. این وضعیت موجب شد تا گروهی از هواداران سارکوزی، به‌ویژه پاریسی‌ها، خیابان‌ها را به صحنه برپایی جشن زودهنگام پیروزی مبدل سازند. هنوز ساعاتی تا پایان ماراتن دو نامزد باقی‌مانده بود که وزارت کشور فرانسه رقم ۵۱/۹ و ۴۸/۱درصد را به نفع اولاند اعلام و تاکیدکرد اکثر این ارقام حاصل شمارش صندوق‌های مناطق حومه شهر و روستاهاست و با توجه به بدنه اجتماعی گسترده‌تر اولاند به‌ویژه در اتحادیه‌های کارگری شهرها او را پیروز احتمالی انتخابات دانست. دقایقی پس از این اطلاع‌رسانی و در حالی که هنوز هواداران سارکوزی در بهت شکست بودند؛ نامزد ناکام، در پیامی مسوولیت شکست در انتخابات را برعهده گرفت و پذیرفت در جلب اعتماد اکثریت مردم ناموفق بوده است. سارکوزی همچنین مراتب احترام خویش به هواداران اولاند را یادآور شد. اولاند هم ضمن ادای احترام به حامیان سارکوزی تاکید کرد هیچ‌کس در فرانسه نباید شکست بخورد و هر فرانسوی سوای برد و باخت انتخاباتی، منزلت ویژه‌ای دارد. این موضع‌گیری‌های تحسین‌برانگیز در شرایطی به افکار عمومی منتقل شد که کمپین‌های تبلیغی دو نامزد در مواردی برای تضعیف و تخریب رقیب، از اهانت و متهم‌سازی یکدیگر ابایی نداشتند. اولاند و سارکوزی هم هرچند جانب احتیاط را نگه داشته و از کاربرد الفاظ مذموم علیه یکدیگر پرهیز می‌کردند اما در جریان مناظره تلویزیونی همدیگر را به «دروغ‌گویی» متهم کردند.

ادامه در صفحه ۶

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
گمرک ایران
اداره کل خدمات و تدارکات

آگهی مناقصه عام یک مرحله‌ای
تامین خودروهای استیجاری مورد نیاز گمرک ایران

شرح در صفحه ۱۶